Volume 3, Issue1, Year 2026

مجلهٔ علمی – تحقیقی تاج
Taj Academic and Research Journal
Journal Homepage:
https://www.taj.edu.af/magazine/index.php

ISSN
P: 2664-9144
E: 3106-4191

OPEN ACCESS

Publisher: Taj University **DOI:** http://doi.org/10.63616/taj.V.03.I.01.02

A Comparative Study of the Institution of Muqāṣa (Set-off/Tahātur) in Hanafi Jurisprudence and Afghan Statutory Law

Assistant Professor Mohammad Hasan Hamidi [1]
[1] Member of Academic board of Law and Political Science Faculty, Taj University
(mh.hamidi786@gmail.com)

Article Info

Received:
2026 / 7 / 16

Accepted:
2026 / 10 /6

Published:
2026 / 10 / 31

ABSTRACT

Offsetting (muqāṣa), also known as set-off (tahātur), is one of the most important causes of the extinguishment of debts and the discharge of financial obligations in the jurisprudence of transactions, playing a significant role in facilitating economic relations, safeguarding individual rights, and reducing financial disputes. The present study has been conducted with the aim of elucidating the concept, legitimacy, nature, conditions, types, and effects of muqāṣa from the perspective of Hanafi jurists. This research, employing a descriptive-analytical method and drawing upon authoritative sources of Hanafi jurisprudence, has examined the jurisprudential foundations and the views of Hanafi jurists. The findings indicate that muqāṣa is legitimate and valid in Hanafi jurisprudence, its legitimacy being grounded in the Holy Qurʾān, the Prophetic Sunnah, consensus (ijmāʿ), and analogical reasoning (qiyās); and in terms of its nature, it does not constitute an independent contract, but rather is one of the sharīʿah-sanctioned causes of the extinguishment of reciprocal debts. Furthermore, the realization of muqāṣa requires conditions such as the existence of two reciprocal debts, unity of the parties, enforceability, ascertainment of the amount of the debt, and the absence of sharīʿah impediments. Hanafi jurists have classified muqāṣa into two principal types—compulsory muqāṣa and voluntary muqāṣa and have stated specific effects for each, including the extinguishment of debts, discharge of liability, termination of financial obligations, facilitation of transactions, and reduction of financial claims. The results of this study indicate that muqāṣa, in addition to its prominent position in Hanafi jurisprudence, holds great significance in contemporary legal systems and today's economic relations, and can be utilized as an effective instrument in resolving financial disputes, reducing transaction costs, and ensuring economic justice.

Keywords: Extinguishment of Obligations, Set-off (Tahātur), Reciprocal Debts, Hanafi Jurisprudence, Offsetting (Muqāṣa)

دوره سوم، شماره اول، سال۱۴۰۵

مجلۀ علمی – تحقیقی تاج
Taj Academic and Research Journal

صفحۀ اصلی مجله: https://www.taj.edu.af/magazine/index.php

ISSN
P: 2664-9144
E: 3106-4191

OPEN ACCESS

ناشر: پوهنتون تاج

DOI: http://doi.org/10.63616/taj.V.03.I.01.02

بررسی تطبیقی «مقاصه» (مجرایی) در فقه حنفی و حقوق موضوعه افغانستان

پوهنیار محمد حسن حمیدی[۱]

[۱]عضو کادر کادر علمی پوهنحی حقوق و علوم سیاسی ، پوهنتون تاج، افغانستان(mh.hamidi786@gmail.com)

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت:
۱۴۰۵/٤/۲۵

تاریخ پذیرش:
۱۴۰۵/۷/۱٤

تاریخ نشر:
۱۴۰۵/۸/۹

چکیده

مقاصه (مجرایی) از مهم‌ترین اسباب سقوط دیون و انقضای تعهدات مالی در فقه معاملات است که نقش بسزایی در تسهیل روابط اقتصادی، حفظ حقوق اشخاص و کاهش اختلافات مالی دارد. تحقیق حاضر با هدف تبیین مفهوم، مشروعیت، ماهیت، شرایط، انواع و آثار مقاصه از دیدگاه فقهای حنفی انجام شده است. این تحقیق با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع معتبر فقه حنفی، به بررسی مبانی فقهی و دیدگاه‌های فقهای حنفی پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مقاصه در فقه حنفی مشروع و معتبر است و مشروعیت آن بر قرآن کریم، سنت نبوی، اجماع و قیاس استوار بوده و از نظر ماهیت، عقد مستقل محسوب نمی‌گردد، بلکه یکی از اسباب شرعی سقوط دیون متقابل است. همچنین تحقق مقاصه مستلزم شرایطی همچون وجود دو دین متقابل، اتحاد طرفین، قابلیت مطالبه، معلوم بودن مقدار دین و نبود موانع شرعی است. فقهای حنفی مقاصه را به دو نوع اصلی، مقاصه قهری و مقاصه اختیاری، تقسیم کرده و برای هر یک آثار مشخصی از جمله سقوط دیون، برائت ذمه، پایان تعهدات مالی، تسهیل معاملات و کاهش دعاوی مالی بیان نموده‌اند. نتایج این تحقیق بیانگر آن است که مقاصه، افزون بر جایگاه برجسته در فقه حنفی، در نظام‌های حقوقی معاصر و روابط اقتصادی امروز نیز از اهمیت فراوانی برخوردار است و می‌تواند به‌عنوان ابزاری مؤثر در حل اختلافات مالی، کاهش هزینه‌های معاملاتی و تأمین عدالت اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد.

کلمات کلیدی: انقضای تعهدات، تعهد، دیون متقابل، فقه حنفی، مجرایی، مقاصه.

بسم الله الرحمن الرحیم

۱. مقدمه

اَلْحَمْدُ لِلّٰه نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ، وَنَعُوذُ بِاللّٰه مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللّٰهُ فَلاَ مُضِلَّ لَهُ، وَمَنْ يُضْلِلْ فَلاَ هَادِيَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ. اما بعد:

انسان به‌عنوان موجودی اجتماعی، ناگزیر از تعامل با دیگران برای رفع نیازهای خود است. در میان اسباب انقضای تعهدات، مقاصه (مجرایی) به‌دلیل کارکرد عملی و تأثیر مستقیم آن در سرعت و سهولت انجام معاملات، به‌ویژه در حوزه معاملات تجارتی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مقاصه عبارت است از تساقط دو دین متقابل که اشخاص در برابر یکدیگر بر عهده دارند؛ بدین معنا که هرگاه دو شخص به‌طور هم‌زمان داین و مدیون یکدیگر باشند و شرایط قانونی مقاصه فراهم گردد، بدون نیاز به ایفای جداگانه هر دین، دیون تا میزان مساوی از بین می‌رود (جزیری، ۱۳۹۹؛ شعیبی، ۱۴۰۰).

در ادبیات حقوقی افغانستان، اصطلاح «مجرایی» برای این نهاد به کار می‌رود و «مجرایی» واژه‌ای محجور محسوب می‌شود. بنابراین در این تحقیق، ابتدا «مقاصه» و در پرانتز «مجرایی» ذکر می‌شود. اهمیت این موضوع از آنجا ناشی می‌شود که مقاصه نه‌تنها در فقه کلاسیک، بلکه در نظام‌های حقوقی معاصر و معاملات بانکی و تجاری نیز کاربرد فراوان دارد و شناخت دقیق احکام آن می‌تواند در حل اختلافات مالی و تفسیر قوانین مدنی، به‌ویژه در افغانستان، نقش مؤثری ایفا کند (کاسانی، بی‌تا؛ سرخسی، بی‌تا).

۲. مرور مختصر پیشینه تحقیق

بررسی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که موضوع «انقضای تعهدات به‌وسیله مجرایی در فقه حنفی» تاکنون به‌صورت مستقل، جامع و نظام‌مند مورد تحقیق قرار نگرفته است. هرچند در آثار علمی موجود، از جمله کتب و مقالات، به مبحث انقضای تعهدات پرداخته شده و در ضمن آن اشاراتی به تهاتر نیز صورت گرفته است، اما این اشارات غالباً کلی، گذرا و فاقد تحلیل تفصیلی از حیث مبانی، اقسام، شرایط تحقق و آثار فقهی مجرایی می‌باشد. ازاین‌رو، می‌توان گفت که در این حوزه خلأ تحقیقی قابل‌ملاحظه‌ای وجود دارد که ضرورت انجام تحقیق مستقل و تخصصی را توجیه می‌نماید. در این راستا، مهم‌ترین منابع مرتبط با موضوع تحقیق به شرح ذیل مورد بررسی قرار گرفته‌اند:

۱) الجزیری، ۱۳۹۰، الفقه علی المذاهب الاربعه) کتابی است که به تبیین کلی مفاهیم مجرایی پرداخته و اسباب انقضای تعهدات را به‌صورت عمومی مورد بحث قرار داده است. در این

کتاب، وفای به عهد، اقاله، ابراء، تبدیل تعهد و سایر عوامل انقضای تعهدات معرفی شده‌اند؛ اما مبحث مجرایی تنها به‌گونه‌ای اجمالی و بدون بررسی کامل مطرح گردیده است. به‌ویژه در خصوص انواع مجرایی و شرایط تحقق آن، توضیح جامع و مستقلی ارائه نشده است. ازاین‌رو، تحقیق حاضر در صدد است تا با تمرکز ویژه بر مجرایی، خلأهای موجود در این اثر را تکمیل نموده و تحلیل عمیق‌تری از این نهاد حقوقی ارائه دهد.

۲) (شعیبی، ۱۴۰۰، المقاصه فی المعاملات المصروفیه) کتابی است که به بررسی اسباب انقضای تعهدات در فقه اسلامی پرداخته است. نویسنده در نتایج تحقیق خود بیان می‌دارد که عوامل انقضای تعهدات در میان فقها تا حدود زیادی مشترک و مشابه می‌باشند. با این حال، در این تحقیق نیز مبحث مجرایی به‌صورت محدود مطرح شده و به بررسی تفصیلی انواع مجرایی، به‌ویژه مجرایی قضایی و آثار آن، توجه لازم صورت نگرفته است.

با توجه به بررسی آثار فوق، روشن می‌گردد که اگرچه تحقیقات ارزشمندی در زمینه انقضای تعهدات انجام شده است، اما موضوع مجرایی به‌عنوان یکی از اسباب مهم و کاربردی انقضای تعهدات، هنوز به‌صورت جامع، تحلیلی و تطبیقی در فقه اسلامی مورد تحقیق قرار نگرفته است. بنابراین، تحقیق حاضر در پی آن است که با بررسی دقیق مبانی فقهی مقاصه، انواع آن، شرایط تحقق و آثار حقوقی‌اش، خلأهای موجود در تحقیقات پیشین را پوشش داده و سهمی در غنای ادبیات علمی این حوزه ایفا نماید.

پیشینه مقاصه در فقه اسلامی ریشه در متون فقهی و مباحث حقوقی صدر اسلام دارد و از همان آغاز به عنوان یکی از اسباب انقضای تعهدات شناخته شده است. واژه «مجرایی» در لغت به معنای «دعوی باطل کردن بر یکدیگر» یا «مساوات و تبادل متقابل» است. در فقه اسلام، مجرایی که گاهی با عنوان «مقاصه» یا «تقاص» نیز شناخته می‌شود، به معنای سقوط متقابل دیون دو طرف است؛ یعنی وقتی دو نفر به یکدیگر بدهکار باشند، تا میزان کمترین دین، تعهداتشان ساقط می‌شود.

فقها مقاصه را امری مسلم و پذیرفته شده می‌دانند که تحقق آن مستلزم شرایطی مانند طلبکار و بدهکار بودن دو طرف نسبت به هم، هم‌جنس بودن دیون، کلی بودن آنها و اتحاد زمان و مکان در ایفای تعهدات است. مجرایی در فقه اسلامی علاوه بر کاربرد در معاملات روزمره، در باب‌های مختلف فقهی مانند رهن، ضمان، نکاح، تجارت و مساقات نیز مطرح شده است. از نظر تاریخی، مجرایی به عنوان یکی از قدیمی‌ترین روش‌های تسویه دیون، در تمدن‌های کهن مانند بین‌النهرین نیز سابقه داشته اما در فقه اسلامی به صورت نظام‌مند و با شرایط و آثار مشخص، جایگاه ویژه‌ای یافته است. این نهاد حقوقی در فقه حنفی و سایر مذاهب اسلامی به عنوان وسیله‌ای برای جلوگیری از تکرار تادیه و تسهیل ایفای تعهدات مورد توجه قرار گرفته است.

۳. شکاف تحقیقی

با توجه به بررسی آثار فوق، روشن می‌گردد که اگرچه تحقیقات ارزشمندی در زمینه انقضای تعهدات انجام شده است، اما موضوع مقاصه به‌عنوان یکی از اسباب مهم و کاربردی انقضای تعهدات، هنوز به‌صورت جامع، تحلیلی و تطبیقی در فقه اسلامی مورد تحقیق قرار نگرفته است. به‌ویژه در خصوص شرایط تحقق مقاصه در معاملات نوین، دیون الکترونیکی، خدمات بانکی و قراردادهای تجاری معاصر، ابهامات و خلأهای فقهی و حقوقی مشاهده می‌شود. همچنین اختلاف دیدگاه میان برخی فقهای حنفی درباره شرایط تحقق مقاصه، به‌ویژه در خصوص دیون مؤجل، دیون مختلف‌الجنس و آثار مقاصه نسبت به اشخاص ثالث، می‌تواند در مقام اجرا زمینه‌ساز برداشت‌های متفاوت و صدور آرای متعارض گردد.

۴. اهداف و پرسش‌های تحقیق

هدف اصلی: تبیین ماهیت، شرایط، انواع و آثار مقاصه (مجرایی) از دیدگاه فقهای حنفی و بررسی انطباق آن با حقوق موضوعه افغانستان.

پرسش اصلی: ماهیت، شرایط و آثار مقاصه (مجرایی) در فقه حنفی چیست؟

پرسش‌های فرعی:

۱. تعهد چیست و چگونه ساقط می‌شود؟

۲. شرایط تحقق مقاصه در فقه حنفی چیست؟

۳. مشروعیت مقاصه در فقه حنفی چگونه است؟

۴. آثار حقوقی مقاصه در فقه حنفی چیست؟

۵. سهم و مفیدیت تحقیق

این تحقیق با گردآوری و تحلیل آرای فقهای حنفی، ضمن تبیین مبانی شرعی و فقهی مقاصه، زمینه شناخت بهتر احکام آن را فراهم می‌سازد و می‌تواند به تحقیقگران، استادان و دانشجویان علوم شرعی و حقوقی در فهم صحیح این نهاد فقهی یاری رساند. از منظر عملی، نتایج تحقیق می‌تواند در تفسیر و اجرای مقررات مربوط به دیون و تعهدات مالی و ارائه راهکارهای منطبق با فقه حنفی برای حل اختلافات مالی در نظام حقوقی افغانستان سودمند باشد. افزون بر این، قضات، وکلا و نهادهای مالی می‌توانند از یافته‌های این تحقیق در حل و فصل دعاوی مالی بهره گیرند.

٦. چهارچوب نظری و ادبیات تحقیق

٦,١. تعریف مفاهیم کلیدی

مقاصه (مجرایی): در اصطلاح حقوقی به روشی برای تسویه و از بین بردن تعهدات متقابل دو طرف گفته می‌شود که در آن دو دین یا تعهد مالی متقابل میان دو نفر، به دلیل هم‌پوشانی، یکدیگر را از بین می‌برند یا تا میزان برابر یکدیگر کاهش می‌دهند. این روش می‌تواند به صورت خودکار (قانونی) یا با توافق طرفین انجام شود (جزیری، ۱۳۹۹، ص ۱۷۲).

تعهد: در اصطلاح فقه حنفی، تعهد به معنای الزام قانونی یا شرعی فرد (متعهد) به انجام یا ترک عملی در برابر فرد دیگر (متعهدله) است. تعهد ممکن است ناشی از قرارداد، حکم قانون، یا الزام اخلاقی باشد (کاسانی، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۷۲).

دین: در فقه حنفی، دین به مالی گفته می‌شود که در ذمه شخص ثابت است و بر او واجب است که آن را ادا کند (سرخسی، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۱۷).

انقضای تعهد: به پایان یافتن الزام شرعی یا قانونی متعهد در برابر متعهدله گفته می‌شود که به اسباب مختلفی از جمله وفای به عهد، ابراء، مقاصه و... محقق می‌گردد (شعیبی، ۱۴۰۰).

٦,٢. تبیین روابط مفهومی

مقاصه به‌عنوان یکی از اسباب انقضای تعهدات، در زمره نهادهایی قرار می‌گیرد که موجب سقوط دیون متقابل می‌شود. در این نهاد، دو دین متقابل که در ذمه دو شخص قرار دارد، به‌جای پرداخت جداگانه، با یکدیگر مجرایی شده و تا میزان مساوی ساقط می‌شوند. این فرایند مستلزم وجود شرایطی است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: وجود دو دین متقابل، اتحاد طرفین، هم‌جنس بودن دیون، برابری وصف، حال بودن، معلوم بودن مقدار، قابل مطالبه بودن و نبود مانع شرعی (کاسانی، بی‌تا؛ سرخسی، بی‌تا).

٦,٣. توجیه انتخاب چارچوب

چارچوب نظری این تحقیق بر اساس منابع اصلی فقه حنفی، به‌ویژه المبسوط سرخسی و بدائع الصنائع کاسانی، بنا شده است. انتخاب این چارچوب از آنجا ناشی می‌شود که فقه حنفی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مذاهب فقهی جهان اسلام، مبنای قوانین مدنی کشورهایی مانند افغانستان است و احکام ویژه‌ای درباره مفهوم، شرایط، آثار و موارد جواز و عدم جواز مقاصه ارائه کرده است. بنابراین، بررسی تطبیقی این نهاد در فقه حنفی و حقوق موضوعه افغانستان می‌تواند به تبیین صحیح مسائل حقوقی و فقهی کمک کند.

۷. روش تحقیق

۷,۱. روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نوع کیفی و با رویکرد توصیفی-تحلیلی است. چارچوب نظری راهنما، فقه حنفی و منابع معتبر آن است. دلیل انتخاب این طراحی، ماهیت فقهی-حقوقی موضوع و ضرورت تحلیل عمیق آرای فقهای حنفی است.

۷,۲. جامعه و نمونه

جامعه هدف، منابع معتبر فقه حنفی شامل المبسوط سرخسی، بدائع الصنائع کاسانی و الفقه علی المذاهب الاربعه جزیری است. نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند و بر اساس ارتباط مستقیم منابع با موضوع مقاصه انجام شده است.

۷,۳. ابزارهای گردآوری داده‌ها

ابزار گردآوری داده‌ها، فیش‌برداری از منابع فقهی و حقوقی است. روایی ابزار از طریق مراجعه به منابع اصلی و معتبر فقه حنفی تأمین شده است.

۷,٤. روش گردآوری داده‌ها

داده‌ها از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و مراجعه به منابع معتبر فقهی، شامل کتب اصلی فقه حنفی و مقالات علمی، گردآوری شده است. ملاحظات اخلاقی مانند امانت‌داری در نقل مطالب و ارجاع دقیق به منابع رعایت شده است.

۷,۵. روش‌های تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها به‌صورت توصیفی-تحلیلی انجام شده است. ابتدا مفاهیم کلیدی تبیین شده، سپس شرایط و آثار مقاصه از منظر فقهای حنفی تحلیل گردیده و در نهایت، یافته‌ها با حقوق موضوعه افغانستان مقایسه شده است.

۷,٦. ملاحظات اخلاقی

در این تحقیق، امانت‌داری در نقل مطالب، ارجاع دقیق به منابع و پرهیز از تحریف آرای فقها رعایت شده است. همچنین از منابع معتبر و دست‌اول استفاده شده و در صورت لزوم، به منابع فرعی معتبر ارجاع داده شده است.

۸. یافته‌ها

۸,۱. مفهوم و ماهیت مقاصه

یافته‌ها نشان می‌دهد که مقاصه در فقه حنفی، از اسباب شرعی انقضای دین است و در شمار اسباب انقضای تعهدات مالی قرار می‌گیرد. فقهای حنفی اتفاق نظر دارند که مقاصه همانند وفای دین، ابراء،

صلح و حواله، موجب پایان یافتن دین می‌شود؛ با این تفاوت که در مقاصه، سقوط دین از طریق مقابله دو دین متقابل صورت می‌گیرد، نه از طریق پرداخت یا اسقاط یک‌جانبه. چنانکه فقها بیان کرده‌اند: «المقاصة استیفاءٌ حکمیٌّ، لأن کل واحدٍ منهما یصیر مستوفیاً لدینه حکماً»؛ مقاصه نوعی استیفای حکمی است؛ زیرا هر یک از دو طرف، به حکم شرع، طلب خود را وصول‌شده محسوب می‌کند (کاسانی، بی‌تا، ج ٦، ص ۲۰۳؛ سرخسی، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۱۷).

۸,۲. مشروعیت مقاصه

از نظر مشروعیت، اصل مقاصه در فقه حنفی بر ادله قرآن، سنت، اجماع و قیاس استوار است. هرچند در قرآن کریم واژه «مقاصه» به‌صورت صریح نیامده است، اما آیاتی که بر وفای به عهد، ادای حقوق مالی، رعایت عدالت و منع ظلم تأکید دارند، مبنای مشروعیت این نهاد به شمار می‌روند. از جمله خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾ (نحل: ۹۰) «همانا خداوند به عدالت و نیکوکاری فرمان می‌دهد.» همچنین می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾ (مائده: ۱) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به پیمان‌ها و قراردادهای خود وفا کنید.» این آیات، لزوم رعایت حقوق مالی و اجرای تعهدات را بیان می‌کنند و مقاصه نیز یکی از شیوه‌های مشروع وفای به تعهدات مالی محسوب می‌شود (قرآن کریم، ۱٦:۹۰؛ ۵:۱).

در سنت نبوی نیز احادیث متعددی بر ضرورت ادای دیون و جلوگیری از تضییع حقوق مردم دلالت دارند. از جمله پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «مَطْلُ الْغَنِيِّ ظُلْمٌ»؛ «تأخیر در پرداخت قرض از سوی شخص توانگر، ظلم است» (بخاری، بی‌تا، حدیث ۲۲۸۸؛ مسلم، بی‌تا، حدیث ۱۵٦۴). این حدیث نشان می‌دهد که شریعت به تسریع در ادای حقوق مالی اهمیت داده است و مقاصه نیز یکی از راه‌های تحقق این هدف است.

۸,۳. شرایط صحت مقاصه

یافته‌ها نشان می‌دهد که تحقق مقاصه در فقه حنفی مستلزم شرایط زیر است:

الف) وجود دو دین متقابلک: نخستین و اساسی‌ترین شرط صحت مقاصه آن است که دو شخص، هم‌زمان نسبت به یکدیگر طلبکار و قرضدار باشند (کاسانی، بی‌تا، ج ٦، ص ۲۰۳).

ب) اتحاد طرفین دین: طلب و قرض باید میان همان دو شخص برقرار باشد (سرخسی، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۱۷).

ج) هم‌جنس بودن دو دین: دو دین باید از یک جنس باشند؛ مانند پول در برابر پول یا گندم در برابر گندم (کاسانی، بی‌تا؛ سرخسی، بی‌تا).

د) برابری وصف دو دین: دو دین باید از حیث کیفیت، ارزش و اوصاف مؤثر یکسان باشند (سرخسی، بی‌تا).

ه) حال بودن دو دین: هر دو دین باید حال باشند و اگر یکی مؤجل باشد، مقاصه قهری تحقق نمی‌یابد (کاسانی، بی‌تا).

و) معلوم بودن مقدار دین: هر دو دین باید از نظر مقدار و میزان معلوم باشند (جزیری، ۱۳۹۹).

ز) قابل مطالبه بودن دین: هر دو دین باید قابلیت مطالبه قضایی داشته باشند (شعیبی، ۱۴۰۰).

ح) وجود دین در ذمه: مقاصه در اصل، مربوط به دیونی است که در ذمه اشخاص قرار دارد (سرخسی، بی‌تا).

ط) نبود مانع شرعی: اگر اجرای مقاصه موجب تضییع حق شخص ثالث شود، جایز نیست (کاسانی، بی‌تا).

ی) عدم تعلق حق شخص ثالث: اگر دین به نفع شخص ثالث توقیف شده باشد، مقاصه صحیح نیست (سرخسی، بی‌تا).

۸,٤. انواع مقاصه

فقهای حنفی مقاصه را از جهات مختلف تقسیم‌بندی کرده‌اند:

الف) مقاصه قهری (المقاصة الجبرية): تهاتری است که به حکم شرع و قانون و بدون نیاز به رضایت طرفین، در صورت تحقق شرایط مقرر، واقع می‌شود (کاسانی، بی‌تا).

ب) مقاصه اختیاری (المقاصة الاختيارية): زمانی تحقق می‌یابد که برخی از شرایط مقاصه قهری وجود نداشته باشد، اما طرفین با رضایت خود توافق کنند که دیون متقابل را با یکدیگر مجرایی نمایند (جزیری، ۱۳۹۹).

ج) مقاصه قضایی: هرگاه میان طرفین درباره وجود یا مقدار دین اختلاف باشد، دادگاه پس از اثبات دیون، حکم به مجرایی صادر می‌کند (شعیبی، ۱۴۰۰).

د) مقاصه کامل و ناقص: مقاصه کامل زمانی است که مقدار هر دو دین برابر باشد؛ و مقاصه ناقص هرگاه مقدار دو دین مساوی نباشد (کاسانی، بی‌تا).

۸,۵. آثار مقاصه

فقهای حنفی آثار متعددی برای مقاصه بیان کرده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱. سقوط دیون متقابل؛
۲. برائت ذمه طرفین؛
۳. سقوط حق مطالبه؛
۴. پایان تعهد مالی؛
۵. جلوگیری از پرداخت‌های تکراری؛
٦. کاهش اختلافات قضایی؛

۷. تسهیل معاملات؛
۸. حفظ عدالت میان داین و مدیونپ؛
۹. کاهش هزینه‌های اقتصادی؛
۱۰. آثار نسبت به اشخاص ثالث (سرخسی، بی‌تا؛ کاسانی، بی‌تا؛ جزیری، ۱۳۹۹).

۹. مناقشه

۹,۱. تفسیر نتایج و ارتباط با پرسش‌ها

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که مقاصه در فقه حنفی، نهادی مشروع و کارآمد برای سقوط دیون متقابل است. این نتیجه با پرسش اصلی تحقیق مبنی بر ماهیت، شرایط و آثار مقاصه در فقه حنفی همخوانی دارد. همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که مقاصه از نظر ماهیت، عقد مستقل نیست، بلکه یکی از اسباب شرعی سقوط دیون متقابل محسوب می‌شود.

۹,۲. مقایسه با مطالعات پیشین

بررسی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که موضوع «انقضای تعهدات به‌وسیله مجرایی در فقه حنفی» تاکنون به‌صورت مستقل، جامع و نظام‌مند مورد تحقیق قرار نگرفته است. هرچند در آثار علمی موجود، از جمله کتب و مقالات، به مبحث انقضای تعهدات پرداخته شده و در ضمن آن اشاراتی به مجرایی نیز صورت گرفته است، اما این اشارات غالباً کلی، گذرا و فاقد تحلیل تفصیلی از حیث مبانی، اقسام، شرایط تحقق و آثار فقهی مجرایی می‌باشد. ازاین‌رو، می‌توان گفت که در این حوزه خلأ پژوهشی قابل‌ملاحظه‌ای وجود دارد که ضرورت انجام تحقیق مستقل و تخصصی را توجیه می‌نماید.

در این راستا، مهم‌ترین منابع مرتبط با موضوع تحقیق به شرح ذیل مورد بررسی قرار گرفته‌اند:

۱) (الجزیری، ۱۳۹۰، الفقه علی المذاهب الاربعه) کتابی‌ست که به تبیین کلی مفاهیم مجرایی پرداخته و اسباب انقضای تعهدات را به‌صورت عمومی مورد بحث قرار داده است. در این کتاب، وفای به عهد، اقاله، ابراء، تبدیل تعهد و سایر عوامل انقضای تعهدات معرفی شده‌اند؛ اما مبحث مجرایی تنها به‌گونه‌ای اجمالی و بدون بررسی کامل مطرح گردیده است. به‌ویژه در خصوص انواع مجرایی و شرایط تحقق آن، توضیح جامع و مستقلی ارائه نشده است. ازاین‌رو، تحقیق حاضر در صدد است تا با تمرکز ویژه بر مجرایی، خلأهای موجود در این اثر را تکمیل نموده و تحلیل عمیق‌تری از این نهاد حقوقی ارائه دهد.

۲) شعیبی، ۱۴۰۰، المقاصه فی المعاملات المصرفیه کتابی‌ست که به بررسی اسباب انقضای تعهدات در فقه اسلامی پرداخته است. نویسنده در نتایج تحقیق خود بیان می‌دارد که عوامل انقضای تعهدات در میان فقها تا حدود زیادی مشترک و مشابه می‌باشند. با این حال، در این

تحقیق نیز مبحث مجرایی به‌صورت محدود مطرح شده و به بررسی تفصیلی انواع مجرایی، به‌ویژه مجرایی قضایی و آثار آن، توجه لازم صورت نگرفته است.

با توجه به بررسی آثار فوق، روشن می‌گردد که اگرچه تحقیقات ارزشمندی در زمینه انقضای تعهدات انجام شده است، اما موضوع مجرایی به‌عنوان یکی از اسباب مهم و کاربردی انقضای تعهدات، هنوز به‌صورت جامع، تحلیلی و تطبیقی در فقه اسلامی مورد پژوهش قرار نگرفته است. بنابراین، تحقیق حاضر در پی آن است که با بررسی دقیق مبانی فقهی مجرایی، انواع آن، شرایط تحقق و آثار حقوقی‌اش، خلأهای موجود در پژوهش‌های پیشین را پوشش داده و سهمی در غنای ادبیات علمی این حوزه ایفا نماید.

پیشینه مجرایی در فقه اسلامی ریشه در متون فقهی و مباحث حقوقی صدر اسلام دارد و از همان آغاز به عنوان یکی از اسباب انقضای تعهدات شناخته شده است. واژه «مجرایی» در لغت به معنای «دعوی باطل کردن بر یکدیگر» یا «مساوات و تبادل متقابل» است. در فقه اسلام، مجرایی که گاهی با عنوان «مقاصه» یا «تقاص» نیز شناخته می‌شود، به معنای سقوط متقابل دیون دو طرف است؛ یعنی وقتی دو نفر به یکدیگر بدهکار باشند، تا میزان کمترین دین، تعهداتشان ساقط می‌شود.

۹,۳. یافته‌های غیرمنتظره

یکی از یافته‌های غیرمنتظره این تحقیق، تفاوت دیدگاه فقهای حنفی درباره مقاصه در دیون مؤجل و دیون مختلف‌الجنس است. برخی فقها مقاصه در این موارد را جایز نمی‌دانند، در حالی که برخی دیگر با شرایطی آن را پذیرفته‌اند. این اختلاف نظر می‌تواند در مقام اجرا زمینه‌ساز برداشت‌های متفاوت و صدور آرای متعارض گردد.

۹,٤. اهمیت نظری و عملی نتایج

از منظر نظری، این تحقیق به غنای ادبیات فقهی درباره مقاصه افزوده و زمینه‌ساز تحقیق‌های تطبیقی بیشتر در این حوزه می‌شود. از منظر عملی، یافته‌ها می‌تواند در تفسیر و اجرای مقررات مربوط به دیون و تعهدات مالی، به‌ویژه در قانون مدنی افغانستان، مورد استفاده قرار گیرد.

۹,۵. محدودیت‌های تحقیق

این تحقیق عمدتاً بر منابع فقه حنفی متمرکز است و به سایر مذاهب اسلامی تنها به‌صورت گذرا اشاره کرده است. همچنین به‌دلیل محدودیت منابع، به برخی کاربردهای نوین مقاصه در بانکداری اسلامی و تجارت الکترونیکی کمتر پرداخته شده است.

۱۰. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۱۰،۱. نتیجه‌گیری

بررسی مقاصه (مجرایی) در فقه حنفی نشان می‌دهد که این نهاد از مهم‌ترین اسباب سقوط دیون و انقضای تعهدات مالی در فقه معاملات اسلامی است و بر پایه اصول عدالت، رفع حرج، حفظ حقوق اشخاص و تسهیل روابط مالی استوار می‌باشد. فقهای حنفی با استناد به قرآن کریم، سنت نبوی، اجماع و قیاس، مشروعیت مقاصه را پذیرفته و احکام آن را به‌صورت منظم در منابع معتبر فقهی تبیین کرده‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان داد که مقاصه از نظر ماهیت، عقد مستقل نیست، بلکه وسیله‌ای شرعی برای سقوط دیون متقابل و برائت ذمه طرفین محسوب می‌شود و تحقق آن مستلزم شرایطی مانند وجود دو دین متقابل، اتحاد طرفین، قابلیت مطالبه، معلوم بودن مقدار دین و نبود موانع شرعی است.

همچنین روشن گردید که فقهای حنفی مقاصه را به دو نوع اصلی، یعنی مقاصه قهری و مقاصه اختیاری، تقسیم کرده و برای هر یک احکام و آثار ویژه‌ای بیان نموده‌اند. مهم‌ترین آثار مقاصه شامل سقوط دیون، پایان تعهدات مالی، کاهش اختلافات، تسهیل معاملات، صرفه‌جویی در هزینه‌های مبادلات و تأمین عدالت در روابط اقتصادی است. با وجود این، در برخی مسائل، مانند مجرایی دیون مؤجل، دیون مختلف‌الجنس و برخی کاربردهای نوین مالی، اختلاف نظرهایی میان فقهای حنفی وجود دارد که بررسی و تحلیل آن‌ها می‌تواند زمینه توسعه تحقیق‌های آینده را فراهم سازد.

در مجموع، مقاصه یکی از نهادهای کارآمد و پویا در فقه حنفی است که ظرفیت بالایی برای پاسخ‌گویی به بسیاری از مسائل مالی و حقوقی معاصر دارد. بهره‌گیری صحیح از مبانی فقه حنفی و انطباق آن با نیازهای نظام حقوقی و اقتصادی امروز، به‌ویژه در افغانستان، می‌تواند نقش مؤثری در ارتقای امنیت حقوقی، کاهش دعاوی مالی، تسریع در اجرای تعهدات و تحقق عدالت در روابط اقتصادی ایفا کند.

۱۰،۲. پیشنهادات

الف) پیشنهادهای کاربردی

۱. پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار افغانستان با بهره‌گیری از منابع معتبر فقه حنفی، مقررات مربوط به مقاصه (مجرایی) را با نیازهای اقتصادی و تجاری امروز هماهنگ ساخته و ابهامات موجود را از طریق تدوین مقررات شفاف برطرف نماید.

۲. برگزاری نشست‌های علمی میان فقها، حقوقدانان و قضات برای تبیین دقیق احکام مقاصه و رفع اختلافات تفسیری.

۳. تدوین دستورالعمل‌های کاربردی برای مراجع قضایی و نهادهای مالی در زمینه اجرای مقاصه.

ب) پیشنهادهای تحقیقی

۱. انجام مطالعات تطبیقی میان فقه حنفی، سایر مذاهب اسلامی و قوانین مدنی کشورهای اسلامی برای تبیین و اجرای احکام مقاصه.

۲. گسترش تحقیق‌های تخصصی درباره نقش مقاصه در بانکداری اسلامی، تجارت الکترونیکی و نظام مالی معاصر.

۳. بررسی آثار مقاصه نسبت به اشخاص ثالث و تعامل آن با حقوق رهن، حواله و ضمان.

منابع

۱. *القرآن الکریم*.
۲. ابن قدامه، (ابو محمد). (۱۹۵۰م)، المغنی، ج ۲، بیروت: چاپ افست.
۳. ابن‌منظور، (۱۹۹۷م). بی تا، *لسان العرب*، دارالمعارف، ج ۳.
٤. اسفندیاری، احمد و همکاران، (زمستان ۱٤۰۲) *بررسی فقهی و حقوقی تهاتر قهری با مطالعه تطبیقی در نظام های حقوق نوشته و انگلیس*، مجلۀ فقه و حقوق اسلامی، شماره ۷٤.
۵. الجزیری، شیخ عبدالرحمن، (۱۳۹۹)، *الفقه علی المذاهب الاربعه (فقه چهار مذهب)*، دارالکتب العلمیه، قم، ج ۳.
٦. بخاری، محمد بن اسماعیل. (بی‌تا)، *صحیح البخاری* .بیروت: دار ابن کثیر.
۷. پوهنتون کابل، (۱۳۸۷) *قاموس اصطلاحات حقوقی*، کابل، نشر پوهنتون کابل.
۸. جزیری، عبدالرحمن. (۱۳۹۹) *الفقه علی المذاهب الاربعه* .بیروت: دار الکتب العلمیه.
۹. سرخسی، محمد بن احمد. (بی‌تا)، *المبسوط* .بیروت: دار المعرفه.
۱۰. شعیبی، فواد قاسم(۱٤۰۰) *المقاصه فی المعاملات المصرفیه* .قم: انتشارات دانشگاه مفید.
۱۱. شهید ثانی، زین‌الدین، (۱۴۱۳ق) .*مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام*، ج۴. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۲. شیخ انصاری، *المکاسب*، قم، انتشارات اسلامی، ج ۳.
۱۳. فواد قاسم شعیبی، *المقاصه فی المعاملات المصروفیه*، تهران، کیهان، چاپ اول.
۱٤. کاسانی، علاءالدین. (بی‌تا)، *بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع* .بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۵. محمد الزحیلی، (۱۳۵۸)، *المقایضه-الایجار*، تهران، نشر سپهر، چاپ دوم، ج۲.
۱٦. مسلم بن حجاج. (بی‌تا)، *صحیح مسلم* .بیروت: دار ابن کثیر.
۱۷. نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، ق، ج۲٦، بیروت: داراحیاء التراث العربی.